

دکتر محمدحسین پاپلی یزدی*

دانشگاه مشهد

C.N.R.S. Equipe de Recherche

252 Iran Contemporain.

«آسیای مرکزی»: لزوم و اهمیت مطالعات مربوط به آن

آیا آنچه در کشورهای بلوک شرق می‌گذرد منجر به از هم پاشیدگی آنها خواهد شد؟ تأثیر این فعل و انفعالات و تغییرات سریع سیاسی بر جمهوری‌های اتحاد شوروی بویژه جمهوری‌های مسلمان‌نشین «آسیای میانه» چه خواهد بود؟ آیا آخرین مستعمرات وسیع جهان استقلال خود را از آخرین کشور استعماری جهان پس خواهند گرفت؟ احتمال استقلال جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی چه اندازه است؟ آیا آنها کشورهای کاملاً مستقلی خواهند شد؟ آیا این سرزمینهای مسلمان‌نشین به صورت کشورهای نیمه مستقلی که روابط بسیار گسترده‌ای با مسکو خواهند داشت، در خواهند آمد؟ اگر این کشورها مستقل شوند و یا در سیاست خارجی خود آزادی عمل نسبتاً زیادی داشته باشند روابط آنها با تهران و ریاض و کابل و آنکارا چگونه خواهد بود؟

آیا اگر ترکمنستان که هم‌مرز شمال شرقی ایران است مستقل شود، داعیه حمایت از ترکمنهای ایران و یا ادعای ارضی نسبت به بخش‌های ترکمن‌نشین ایران را نخواهد داشت؟ آیا اصولاً استقلال جمهوری‌های مسلمان‌نشین شوروی به سود کشور ایران است؟ اگر این سرزمینها مستقل

۱- نگاه کنید به انتقاد بسیار بجا و عالی دکتر پرویز ورجاوند درباره اصطلاح آسیای مرکزی.
- ورجاوند، پرویز - خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه) - تهران نشر گفتار - ۱۳۶۴، ۳۲۴ صفحه +
عکس و نقشه.

شوند چون به دریا راه ندارند، آیا از کدام راه خود را به دریا خواهند رساند؟ اگر خواسته باشند از جاده‌های ترانزیتی ایران استفاده کنند آیا شبکه راههای شرقی ایران جوابگو خواهد بود؟ آیا بندر چابهار می‌تواند نقش مهمی در این زمینه داشته باشد؟ آیا اصولاً این کشورها مسیر خراسان بلوچستان را انتخاب خواهند کرد یا مسیر افغانستان، پاکستان و کراچی را و یا هر دو مسیر را؟ تکلیف دریای مازندران چه خواهد شد؟ آیا قراردادهای مرزی ما همین‌طور که هست باقی خواهد ماند؟ آیا ماهیچاد عایبی برای اصلاح بعضی قراردادهای سرحدی مانند آنچه راجع به برداشت آب از رودخانه‌های شمال خراسان است و یا برخی نقاط دیگر مثلاً فیروزه نخواهیم داشت؟ اگر این کشورها مستقل شوند تکلیف زبان فارسی چه خواهد شد؟ ترکیب فارسی زبانها و یا تاجیک زبانها و ترک زبانها و توازن نیروهای آنها چگونه است؟ شیعیان چند درصد هستند و چه نقشی در حکومت خواهند داشت؟ برادران اهل تسنن چند فرقه‌اند و علایق مذهبی آنها زمانی که دیگر «باب‌عالی» نقش مذهبی ندارد به کدام جهت خواهد بود؟ آیا بحثها و بگومگوهای جدیدی بر سر ملیت بزرگان شعر، ادب، هنر، فلسفه، حکمت، ریاضیات و طب درنخواهد گرفت؟ رودکی، بیرونی، ابوعلی سینا، ابوشکور بلخی و صدها شخصیت دیگر مدعیان جدیدی نخواهند یافت؟ یک ملت تازه به استقلال رسیده در گذشته تاریخی‌اش آن قدر غلظت نخواهد کرد که کار را به جاهای باریک و حتی به جنگ بکشانند؟ این کشورها که قلب آسیا را در تصرف دارند اگر مستقل شوند، ارتباط روسیه با سیبری شرقی و شرق دور چگونه انجام خواهد شد؟ این کشورها با وسعتی بیش از ۳ میلیون کیلومتر مربع که در ۲۰ سال آینده جمعیتی بیش از ۱۴۰ میلیون نفر مسلمان سنی‌مذهب خواهند داشت دارای چه قدرت نظامی خواهند بود؟ آیا ارتشهای آنها به موشک‌هایی حامل کلاهکهای اتمی مجهز خواهند بود و آیا تحت پوشش اتمی شوروی قرار خواهند گرفت؟ اگر سستی و سهل‌انگاری اتحاد شوروی نهضت‌های ناسیونالیستی و یا

اسلامی را در این کشورها تقویت کرد و آنها به زور به استقلال کامل رسیدند ولی بامشکلات روبرو شدند، آیا تمایل نخواهند داشت که برای ایجاد وحدت و مشغول کردن افکار عمومی، به یک جنگ خارجی دست بزنند؟ آیا آنها بر مسایل مرزی، مسایل مربوط به تقسیم آب رودخانه‌ها و حمایت از هم‌زبانها و هم‌نژادها و هم‌قبیله‌ای‌ها بایکدیگر نخواهند جنگید؟ سیاست بلوک غرب در مقابل یک سری کشورهای تازه مستقل شده مسلمان چه خواهد بود؟ آیا غرب با کمک سیستم اعتباری خود نخواهد کوشید یک اسلام به شیوه عربستان را در این کشورها حاکم کند؟ پایگاههای موشکی شوروی و سکوهای پرتاب سفاین فضایی شوروی چه خواهد شد؟ خراسان که نزدیکترین استان به این سرزمینها است چه ارتباطات ویژه‌ای با این کشورها خواهد داشت؟ حال که سیستم کشورداری جهان شرق در حال فروپاشی است اثرات ژئوپلتیکی آنها بر کشورها چه خواهد بود؟

من یک مثال می‌زنم. در شرایط فعلی تنها تمدنی که بمب اتم ندارد تمدن اسلامی است. کمونیستها دارند، کاپیتالیستهای مسیحی دارند. یهودیها دارند. هندوها، بودایی‌ها و... همه بمب اتم دارند جز مسلمانها، پاکستانیها در این زمینه از همه جلوترند ولی هنوز رسماً اعلام نشده است که بمب اتم دارند، و رسماً هم آزمایشی در کار نبوده است. مسلماً اسرائیل بمب اتم دارد.

حال اسرائیل در کدام منطقه می‌تواند این بمب را مصرف کند. کجای جهان اسلام برای انفجار بمب اتم اسرائیل مناسب است؟ به نظر من و در شرایط ژئوپلتیکی فعلی جهان، فقط در بلوچستان این امکان وجود دارد بویژه در بلوچستان ایران. چرا؟ زیرا اگر اسرائیل بمب را در کشورهای اطراف خود، سوریه، لبنان، اردن، مصر، عراق، عربستان و حتی کشورهای خلیج فارس بیندازد، خود تحت تأثیر تشعشعات رادیواکتیویته آن قرار خواهد گرفت. بنابراین بمب اتم اسرائیل کوچکترین خطری برای سوریه ندارد. از طرفی اگر اسرائیل خواسته باشد بمب خود را بر روی کشورهای مسلمان

شمال آفریقا بیندازد امنیت اروپارا بخطر خواهد انداخت و کشورهای چون لیبی، تونس، الجزایر و مراکش به اروپا بسیار نزدیکتر از آن هستند که کسی بتواند بدون به خطر انداختن اروپا بمب اتم حواله آنها کند. اگر پاکستان را هدف قرار دهد، هند در خطر است و هند خود يك قدرت اتمی است. اگر تهران و یا نیمه شمالی ایران را هدف قرار دهد روسیه شوروی در معرض تشعشعات خواهد بود. پس در حال حاضر تازمانی که پاکستان دارای قدرت اتمی نیست بلوچستان تنها و یا یکی از مناسبترین نواحی است که اسرائیل می تواند بدون به خطر انداختن امنیت قدرتهای اتمی به انفجار اتمی دست بزند.

حال اگر کشورهای آسیای مرکزی به استقلال کامل برسند بعید به نظر می رسد که روسیه آن قدر بخشنده و بی احتیاط باشد که به آنها بمب اتمی تحویل دهد. پس بین شمال خراسان و خاک شوروی نیز فاصله بسیاری ایجاد خواهد شد و شمال خراسان دیگر نه همسایه شوروی بلکه همسایه يك کشور مسلمان نوظهور خواهد بود. بنابراین مشهد و یا حداقل جنوب خراسان تا حدود تربت حیدریه همان شرایطی را پیدا خواهند کرد که بلوچستان در حال حاضر دارد. خراسان و بویژه شمال آن از نظر اتمی در منطقه امنیتی اتحاد شوروی واقع شده است. و هیچ قدرتی نمی تواند بدون به خطر انداختن امنیت شوروی آنجا را هدف قرار دهد اما اگر آسیای مرکزی استقلال کامل داشته باشد و بویژه اگر روابطش با مسکو خوب نباشد و یا زیر چتر اتمی شوروی نباشد، خراسان و بویژه جنوب آن در ناحیه تهدید اتمی قرار خواهد گرفت. بر همین اساس ما به بمب اتم نیاز حیاتی داریم. البته نه برای جنگ بلکه برای جلوگیری از جنگ. در هر صورت آنها که آرزوی استقلال جمهوریهای آسیای مرکزی را دارند، که این نگارنده نیز خود یکی از آنها است، باید به این مسایل بیندیشند.

در هر صورت این سؤالات و صدها سؤال دیگر هنوز فرضیاتی بیش

نیستند اما سرعت تحولات در جهان شرق بیش از انتظار است. همه مسلمانان جهان، همه آزادیخواهان و طرفداران آزادی، آرزو داشتند که روزگاری شاهد استقلال یکی از وسیعترین بخشهای سرزمینهای اسلامی باشند که در اواسط قرن ۱۹ بهزور ارتش تزاری بهزیر سلطه درآمده است. اطمینان راسخ دارم که این آرزوها زودتر از حد انتظار و حداکثر تا ۲۰ سال دیگر بهطور کامل برآورده خواهد شد.

جهان غرب نمی‌تواند تحمل کند که او همه مستعمراتش را از دست بدهد ولی رقیب بزرگش اتحاد شوروی تمام مستعمراتش را همچنان ضمیمه خاک اصلی خود بداند. از طرف دیگر جهان شرق هم نمی‌تواند تحمل کند که جهان سرمایه‌داری غرب که خود را از گرفتاریهای عظیم استعمار مستقیم رها نموده، با استفاده از سیستمها و روشهای استعمار نوین بازار تمام مستعمرات سابق را انحصاراً به خود اختصاص دهد و با کمک سودهای کلانی که از راه تجارت غیر عادلانه با جهان سوم به دست می‌آورد، چهار اسبه به پیش تازد و با پیشرفتهای اقتصادی خود دنیای کمونیسم را به ورشکستگی بکشانند. استعمار نو سودهای جهان سرمایه‌داری را از مستعمرات سابق و از کل جهان سوم به چند ده برابر زمان استعمار مستقیم افزایش داده است، بدون آن که هیچ‌گونه تعهد و یا مخارجی را به غرب تحمیل کند. آیا روسها هم می‌خواهند مزه استعمار نو را همانگونه که رقیبان غربیشان می‌چشند، مز مزه کنند.

اما چرا اتحاد شوروی در این شرایط قرار گرفت. بدون آن که ساده‌اندیشی کنیم و پیچیدگی مسایل بین‌المللی و سیاسی و اقتصادی را نادیده بگیریم علت‌العلل را باید در یک چیز جستجو کنیم، یعنی در اراده انسانها، روسیه شوروی و بلوک شرق دیگر برای ملت‌هایشان و حتی کادرهای حزبی دیگر نه تنها یک کشور و یک دنیای انقلابی نیستند، که مانند یک زندانند. وقتی دنیایی زندان شد زندانبانان نباید انتظار همکاری از زندانیان داشته باشند.

ملتهای بلوک شرق با مخالفت آرام و اعلام نشده و طولانی مدت خود، با کم کاری با ابراز عدم علاقه و عدم انگیزه ... بر رژیمهایی با فلسفه ماتریالیستی بسیار با قدرت، با سازمانهای پلیسی مخوف و پیشرفته و کارآمد پیروز شدند. انسانهایی که اجازه تشکیل و راه اندازی هیچ نوع حزب، سندیکا، اتحادیه، تعاونی غیر دولتی، چاپ کتاب، روزنامه، برگزاری نمایش و... مخالف عقاید دولتهای خود را نداشتند، بدون وجود هیچ نوع سازمان هماهنگ کننده ولی با مخالفت آرام و یا عدم همکاری، رژیمهای خود کامه و مستبد خود را به ورشکستگی کشاندند.

آنچه در بلوک شرق می گذرد هشدار است به رژیمهای مستبدی که تصور می کنند اگر احزاب و یا تشکیلات مخالف را از هم متلاشی کنند و یا اجازه ایجاد آنها را ندهند ابدی خواهند شد. در جهانی که همه امور مادیش بر مبنای پیشرفتهای تکنیکی و ایجاد انگیزه و مدیریت استوار است، ملتها بدون تشکیلات و بدون مجتمع شدن در احزاب، بدون راه - انداختن انقلابهای خونین، بدون زد و خورد با پلیس و ارتش ولی با عدم همکاری، رژیمهای مستبد را به آنچنان ورشکستگی می کشاند که آنها مجبور می شوند اصولیترین پایه های فکری و فلسفی خود را زیر پا گذاشته و رسوایی ایدئولوژی خود را با کوس و کرنا برملا کنند. عدم همکاری مردم با رژیمهای کمونیستی شرایطی را در جهان کمونیسم و یا سوسیالیست به وجود آورده است که اگر حتی استالین نیز زنده بود چاره ای جز کناره گیری و یا ایجاد تغییرات اساسی سیاسی نداشت. گرباچف کاری می کند که ناگزیر است انجام دهد. جهان شرق از نظر فنی و تکنیکی، اقتصادی، و غیره نه تنها از جهان سرمایه داری عقب مانده است بلکه در حال ورشکستگی است. اگر در جهان شرق کوس ورشکستگی است در جهان غرب در ضمن احتیاط جشن و سرور است. جشن پیروزی کاپیتالیسم و لیبرالیسم بر سوسیالیسم و کمونیسم. جشن برای چشم انداز اقتصادی بازارهای وسیع دنیای شرق و احتیاط برای حوادث ناگوار پیش بینی

نشده. برای آماده بودن در مقابل اقدامات گروههای تندرو کم عقلی که ممکن است برضد اقدامات گرباچف کارشکنی و یا حتی کودتا کنند. اما غرب مطمئن است که تندروها نمی‌توانند کاری بکنند و حداکثر يك یا دوسالی جریان را به عقب خواهند انداخت اما دوباره سرعت حرکتها سریعتر خواهد شد. مثل این که بخواهند جلو آبی را سد کنند و بعد سد بشکنند. تندروها چگونه می‌خواهند با اقتصاد ورشکسته و خزاین خالی و تکنیک و مدیریت عقب افتاده، همکاری میلیونها انسان را که دیگر اعتقادی به انقلاب ندارند و تحت فشارهای روحی، روانی، پلیسی، اقتصادی روحیه خود را باخته‌اند، و هیچ انگیزه‌ای ندارند و همه آینده و انگیزه‌های خود را در بطری و دکا جستجو می‌کنند، جذب کنند؟ نه، تندروها نمی‌توانند کاری انجام دهند. حتی خود تندروها دیگر انقلابی نیستند بلکه فرصت طلبانی هستند ابله، که فکر می‌کنند با تندروی می‌توانند هنوز بر جامعه حکومت کنند اگر آنها بر علیه اقدامات گرباچف و سیاستهای او اقدامی انجام دهند پس از مدتی کوتاه با اوضاعی اسفبارتر و وخیم‌تر روبرو خواهند شد که نتیجه‌اش نابودی محض شرق است. در غرب حتی عده‌ای انتظار و آرزو دارند که تندروها کاری کنند، چون می‌دانند بعد از مدتی با از هم پاشیدگی و نابسامانی بیشتر، دیگر افرادی انقلابی در شوروی وجود نخواهد داشت که از خود گذشتگی نشان دهند و اگر هم افرادی انقلابی وجود داشته باشند مسلماً در جهت انقلابی خواهند بود برضد انقلاب گذشته، یعنی برضد انقلاب اکتبر و انقلاب کمونیستی. به همین دلیل غرب با احتیاط اما با امیدواری و شادی گام برمی‌دارد.

اما تأثیر ژئوپلیتیکی این گروههای بسیار مهم سیاسی، بر نواحی مختلف جغرافیایی جهان چه خواهد بود؟ تأثیر این تغییرات عمده سیاسی که در شرف وقوع است و بخشی از آن به وقوع پیوسته است بر جمهوری‌های مسلمان نشین «آسیای میانه» چه خواهد بود؟
واقعیت آن است که روسیه شوروی هنوز بزرگترین کشور استعماری

جهان است. در همان زمان که انگلیسیها بهطور مستقیم در هند وارد عمل شدند و پایگاههای خود را در مستعمره زرخیز خویش محکم می کردند. در همان موقع که فرانسویها آفریقای غربی را زیر یوغ استعمار می بردند، ارتش تزاری « به سوی سرزمینهای مسلمان نشین آسیای مرکزی » سرازیر بود و مستعمرات جدیدی را جستجو می کرد. اگر انگلیسیها هند را در خطر نمی دیدند و به طرق مختلف مانع پیشرفت روسها نمی شدند، حکومت ناتوان قاجار به تنهایی نمی توانست جلو ارتشهای تزاری را سد کند و شاید امروز چاهبهار يك بندر روسی بود.

حال این سؤال اساسی مطرح است. چرا کشورهای بلوک غرب بویژه انگلیس، فرانسه، هلند، بلژیک، اسپانیا و پرتغال باید مستعمرات خود را از دست بدهند و رقیب چند صدساله آنها که فعلاً اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نامیده می شود باید مستعمرات خود را در اختیار داشته باشد؟ هیچ تفاوت اساسی بین تصرف و استعمار آسیای مرکزی و حتی قفقاز با تصرف هند و سومالی، اندونزی، گینه نیست. همه در يك عصر و همه توسط ارتشهای مجهز اروپایی با فرهنگ کلاسیسی به تصرف درآمده اند. همه به زیر سلطه کسانی رفته اند که از نظر مذهب، تمدن، فرهنگ و تاریخ و شرایط جغرافیایی با آنها تفاوت اساسی داشته اند.

در زمانی که غرب به اواخر عصر استعمار مستقیم رسیده است هنوز استعمارزدایی در بلوک شرق شروع نشده است. البته هنوز غرب جزایر و مجمع الجزایر و حتی سرزمینهایی مثل گویان را که جزو خاک اصلی يك قاره است در استعمار دارد. هنوز نامیبیا یکمین سال استقلال خود را جشن نگرفته است. اما باید توجه داشت که سرزمینهای تحت استعمار غرب در حال حاضر يك هزارم آنچه در اوایل قرن بیستم در استعمار غرب بود، نیست. آن دسته از کشورهای غربی که بیشتر و مدت طولانیتری خود را درگیر استعمار مستقیم کرده اند امروز با مشکلات بیشتری روبرو هستند. پرتغال و اسپانیا از سایر کشورهای اروپایی عقبتر هستند. این عقب ماندگی

دهها و بلکه صدها دلیل دارد اما یکی از دلایل عمده آن دیرتر آزاد کردن مستعمرات سابق و در نتیجه دیرتر وارد سیستم استعمار نوین شدن، بوده است.

جهان غرب در بهره‌کشی مستعمرات سابق و جهان سوم از طریق استعمار نوین به اوج رسیده است ولی روسها هنوز درگیر شیوه‌های سنتی استعمار کهنه و مستقیم هستند. آیا همان‌طور که روسها در تکنیک، مدیریت و اقتصاد از غرب عقب افتاده‌اند در شیوه‌های استعماری نیز عقب‌ترند؟ مسلماً همین‌طور است. آیا روسها به این نتیجه رسیده‌اند که آنها هم بهتر است وارد مرحله استعمار نوین شوند. مستعمرات سابق خود را آزاد سازند و بعد با قراردادهای بیشمار اقتصادی، فرهنگی، تکنیکی از آنها ده‌چندان بهره‌مندی کنند، بدون آن که در مقابل آنها هیچگونه مسؤولیتی داشته باشند. چرا روسها تا به حال مستعمرات خود را آزاد نساخته‌اند؟ و یا چرا روسها توانسته‌اند تا به حال مستعمرات خود را نگهدارند. در جواب این سؤالات صدها دلیل از دلایل ایدئولوژیک تا دلایل اقتصادی و تحول اقتصادی جامعه و... می‌توان برشمرد.

یکی از دلایل مهم این تداوم استعمار دلیل جغرافیایی است. متصرفات اروپای غربی متصل به کشور خودشان نبوده است. دریاها و اقیانوسها بین مستعمرات و کشورهای استعمارگر اروپای غربی فاصله انداخته بودند. بین انگلیس و شبه قاره هند چندین هزار کیلومتر دریا و اقیانوس فاصله است بین هلند و اندونزی به همین نحو بین بلژیک و مستعمره الماس خیزش یعنی کنگو، هزاران کیلومتر آب است، بین فرانسه و مستعمراتش دریاها وجود داشته است. اما بین مسکو و عشق‌آباد و دوشنبه و تاشکند و... چند هزار کیلومتر راه هست ولی همه خشکی است با قطار و اتوبوس می‌شود مسافرت کرد و احتیاج به کشتی نیست. بنابراین مسکو آنها را جزء تفکیک ناپذیر خاک خود اعلام کرده است و گر نه هیچ فرقی بین استعمار آن دریا بجان شوروی و ترکمنستان با اندونزی نیست.

دومین تفاوت اساسی در استعمار غرب و شرق به خاطر نفس انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه شوروی است. این انقلاب خود باعث جلوگیری از استقلال مستعمرات روسیه شد. دلایلش متعدد است. انقلاب و خون و خونریزی در داخل شوروی باعث می شد تا نظام سرکوب و قتل و کشتار آزادخواهان و مبارزان بویژه مبارزان مسلمان را در مستعمرات سرعت بخشد و به نحوی توجیه کند. عقاید نوین و ایدئولوژی نوین نیز باعث شد تا عده‌ای از افراد مستعمره امیدوار شوند. امیدوار به پیشرفتهای مادی. بزرگترین حربه‌ای که کمونیستها بعد از انقلاب روسیه در جهان داشته‌اند اصولاً بمب اتم نبوده است، بلکه هماهنگی و همفکری عده‌ای از روشنفکران جهان غرب و جهان سوم با آنها بوده است. روشنفکرانی که نمی‌توان گفت همه آنها خود فروخته بوده‌اند. آنها می‌دیدند که دنیای سرمایه‌داری مشغول بلعیدن جهان و نابودی انسانهاست و چون راه حل مناسبی پیش رو نداشتند و از طرفی چون مغزهایشان نمی‌توانست راه حل سومی ارائه دهد، و از فرهنگهای خود هم بیگانه شده بودند و یا فرهنگهایشان پویایی لازم را نداشت ناچار با ایدئولوژی مارکسیسم، لنینیسم هماهنگ و هم‌آواز شدند. روشنفکری که در دهه ۱۹۶۰ در فرانسه، ایتالیا و در بسیاری از کشورهای جهان سوم جرات می‌کرد خود را چپ نداند در واقع خیلی شجاع بود. در همه دنیا چپ بودن و هم‌آواز مسکو و بعدها نیز هم‌آواز پکن بودن مُد و ترقی و هر آنچه بر ضد مسکو و پکن بود، ارتجاعی بود. به همین علت روسها به آرامی می‌توانستند مستعمرات خود را نگهدارند، زیرا، مخالفین داخلی را نابود می‌کردند و افکار عمومی روشنفکران خارجی (بویژه جهان سوم) نیز آمادگی سؤال و جواب درباره مستعمرات شوروی را نداشت. بسیار بسیار به ندرت کسانی یافت می‌شدند که می‌پرسیدند چرا هند و الجزایر آزاد شوند ولی ترکمنستان نه. در زمانی که صدها مقاله توسط روشنفکران انگلیسی و بویژه فرانسوی بر ضد سیاستهای استعماری کشورهای خودشان نوشته شده است حتی اشاره

کوچکی هم به ادامه سیاستهای استعماری شوروی نشده است و یا خیلی کم است. جالب آن است که حتی روشنفکران جهان سوم که با استعمار مبارزه می کردند سیاست استعماری روسیه شوروی را زیر سؤال نمی بردند. اما در حال حاضر در دنیا چه می گذرد. برای این که نگوییم غرب تمامی مستعمراتش را از دست داده است، در اکثر موارد شیوه های نوینی در جهت بهبود شرایط اقتصادی اتخاذ کرده است، این شیوه ها که مبتنی بر ایجاد روابط اقتصادی ناهنجار و ناهماهنگ با جهان سوم است خیلی موفق بوده است و اکثر پیشرفتهای مادی جهان سرمایه داری غرب مانند اکثر ساختمانهای بزرگ و مدین، شبکه های بزرگ راههای شوسه و راه آهن و فرودگاهها و متروها و عموماً بعد از استقلال مستعمرات و بعد از شروع استعمار نوین ساخته شده اند. غرب خیلی زود متوجه شد که استعمار مستقیم، مخارج هنگفت و گرفتاریهای عظیمی را به همراه دارد. آیات سودهایی را که غرب امروزه از مستعمرات سابقش می برد به مراتب بیشتر از آنچه در سالهای ۱۹۴۰ می برد نیست؟

از طرفی غرب با دادن امتیازات زیاد به کارگزارانش نسبت به آنچه در ابتدای قرن داشته اند، با دادن امتیازات به سندیکاها و به اتحادیه های کاری، بویژه با دادن امتیازات عظیم مالی و رفاهی به متخصصین خود و ایجاد انگیزه های مادی در آنها، با اختصاص دادن بودجه های چند ده - میلیارد دلاری برای تحقیقات، پیشرفت خود را در همه زمینه ها بر شرق کمونیست مسلم ساخته است. غرب با تسلط بر بازارهای عمده جهانی و محاصره اقتصادی اعلام نشده بر علیه شرق سیاستهای اقتصادی بلوک شرق را به ورشکستگی کشانده است. بلوک شرق با اجرای سیاستهای استبدادی و اشتراکی خود، خلاقیت، اعتماد به نفس، علاقه و انگیزه را در مردم خود کشته اند. وقتی تک تک افراد يك مملکت آینده ای برای خود متصور نیستند، وقتی آحاد يك ملت آینده فرزندان خود را تاريك می بینند و خود را در حصار و زندان احساس می کنند، مسلماً کل سیستم بی آینده و ورشکسته

می‌شود. وقتی اقتصاد اکثر خانوارهای يك ملت در حال ورشکستگی است کلیه آن نظام وسیستم ورشکسته است. فرارمغزها، فراراساتید دانشگاهها، مهندسين، تکنیسینهای شرق به غرب و یا عدم همکاری آنها با حکومتهايشان در رأس صدها علتی است که باعث به زانو در آمدن شرق شده است .

در دنیایی که اساس پیشرفت مادیش، ابتکار و خلاقیت در امور تکنیکی، علمی و اداری است چگونه شرق مستبد که در سیاستهايش جز انحصارطلبی حزب کمونیست، جز انحصارطلبی فرصت طلبانی که در حزب کمونیست جمع شده‌اند، دیگری را شريك حکومت نمی‌کند، می‌تواند با جهان غرب که ولو به طور ظاهری هم شده است نیروهای مختلف را در اداره مملکت تشريك مساعی داده است، مقابله کند. غرب با همه توانش به سازندگی خود و استعمار جهان سوم مشغول است اما روسها می‌خواستند فقط با چند درصد افراد وابسته به حزب کمونیست این کار را بکنند، این عدم تعادل است و امکان برابری آن نیست .

ورشکستگی و فروپاشی سریع شرق بیانگر آن است که هیچ راهی برای پیشرفت نیست مگر در سایه آزادی و ایجاد انگیزه و خلاقیت در میان مردمان يك کشور و احترام گذاشتن و دادن امکانات به محققین، مخترعین، مکتشفین، اقتصاددانها، کشاورزان و در عمل به همه مردم .

بنابراین فروپاشی سیستم شرق اجتناب ناپذیر است. نتیجه، استبداد است . نتیجه این تفکر باطل است که می‌توان انسانی که مغز و عقل دارد، عقلی که بالاترین، برترین، بزرگترین و بی‌نهایت‌ترین نعمت خداوند است را وادار کرد که نیندیشد و یا فقط يك طور بیندیشد، وادار کرد که منتظر فرمان کرملین باشد، منتظر فرمان رفیق استالین باشد. این سیستم تفکر کفران نعمت الهی است هر کس در این تفکر پابرجا باشد چه در يك نظام شرقی چه در يك نظام غربی و چه در جهان سوم محکوم به فنا است .

روسها قبل از فتح سرزمینهای وسیع آسیای مرکزی برای آماده کردن

پیروزی و فتح و چه بعد از تسلط برای اداره بهتر و کنترل و آرام کردن و برای بهتر بهره کشیدن، مطالعات وسیع و همه جانبه‌ای را در رابطه با این سرزمینها انجام داده‌اند. جهان غرب آن زمان که می‌خواست جلوارتشیهای تزاری را سد کند صدها محقق، مستشار، عالم جغرافیا، مردم‌شناس جهانگرد و درویش دروغین را روانه این سرزمینها کرد. کافی است به کارهای تحقیقی خانیکف توجه کنیم تا ببینیم با چه ریزه کاری این مطالعات انجام شده است.^۲ اگر تعداد جهانگردان غربی که از ۱۸۵۰ تا ۱۹۱۰ به شمال خراسان مسافرت کرده‌اند را در نظر بیاوریم اهمیت این مسأله را درک می‌کنیم.^۳

پس از تسلط و پیروزی روسها بر این نواحی، جهان استعمارگر سرمایه‌داری غرب هم برای جلوگیری از پیشروی بیشتر روسها و هم برای این که تجزیه و استقلال این مناطق را حتمی می‌داند، مطالعات درباره «آسیای مرکزی» را رها نکرده است. غرب خود را آماده می‌کند تا پس از آن که آسیای مرکزی خود را از یوغ استعمار مستقیم روسیه رها کند آن را به بند استعمار نوین بکشد. غرب سالهای سال است که درباره آسیای مرکزی مطالعات عمیقی دارد. اگر تنها به مقالات و کتابهای معرفی شده در مجله چکیده‌های ایرانشناسی Abstracta Iranica آنچه در بین سالهای ۸۶-۱۹۷۷ درباره آسیای مرکزی قبل از اسلام معرفی کرده است و بعد آقای Frantz GRENET در مجموعه‌ای بنام L'ASIE CENTRAL PREISLAMIQUE (آسیای مرکزی پیش از اسلام) جمع‌آوری کرده است مراجعه کنیم، متوجه می‌شویم در تهیه، تدوین و تألیف ۳۳۴ مقاله و کتاب معرفی شده سهم

۲- خانیکف کارهای تحقیقی متعدد دارد برای نمونه مراجعه کنید به:

KHANIKOFF (KHANIKOV) N. V. Mémoire sur la partie meridionale de L'Asie Centrale. Paris, Société de Géographie 1861.

۳- محسنیان زاد - مهدی - تحقیق درباره ۸۰۰ سال سفر سیاحان به ایران. مجله تحقیقات جغرافیایی

ایرانیان بسیار بسیار ناچیز است. می‌دانیم که مطالعات درباره مسایل يك ناحیه آن هم مربوط به دوران قبل از اسلام به مراتب بودجه و امکانات بیشتری را طلب می‌کند تا مطالعات مربوط به مسایل در حال حاضر. و مخارج باستان‌شناسی هنگامی را ایجاد می‌نماید ولی همه این بودجه‌ها فراهم بوده است. آن هم برای عصری که ظاهراً احتمال و تصور منفعتی برای این مطالعات نبوده است. تازه اینها بخشی جزئی از کار است. اما ما که منافع عظیمی در این ناحیه داشته‌ایم و داریم، ما که امنیتان قرن‌ها از طریق آسیای مرکزی به خطر افتاده است و امروز نیز امنیتان ارتباط مستقیم با ثبات و تحولات این ناحیه دارد، ما که تاریخمان پیوندی ناگسستنی با این ناحیه دارد، ما که ده‌ها میلیون هم‌زبان فارسی‌گوی در این ناحیه داریم، ما که بسیاری از ستارگان درخشان علم و ادب و دینمان در این ناحیه زاده شده‌اند، ما که ۸۰ میلیون و شاید هم بیشتر همدین در ناحیه داریم چه کرده‌ایم؟ ما که مایلیم هم‌کیشمان پس از استقلال به‌دام استعمار نوین نیفتند چه کرده‌ایم؟

ما گاه‌گاهی به این مسأله توجه داریم. ولی تا آنجا که من اطلاع دارم هیچ طرح تحقیقاتی در دانشگاهها به مسایل آسیای مرکزی اختصاص داده نشده است. در مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی بحثهایی در این مورد شده است که چندان دنبال نگردیده است. آستان‌قدس رضوی در تشکیلات وسیع فرهنگی و پژوهشی خود به این مسأله اندیشیده است و حتی دستور اجرای تحقیقات در زمینه آسیای مرکزی را داده است.

اما در مقابل عظمت مسأله، در مقابل ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون مسلمان با سرزمینی با وسعت بیش از ۲ برابر خاک ایران، در برابر لشکر محققان جاافتاده و عالی‌مقام و آشنا به چند زبان، ما با چند نفر و با چه بضاعت علمی و با چه بضاعت مادی و روحی و با چه انگیزه‌ای می‌خواهیم تحقیق کنیم؟

تحقیقات درباره آسیای مرکزی با سه نفر محقق نیمه وقت که بعد از ظهرها برای تأمین امرار معاش خود مجبور باشند دست به کارهای غیر علمی و تحقیقی بزنند ممکن نیست. تحقیق درباره آسیای مرکزی و اصولاً هر تحقیقی در هر زمینه‌ای بدون تأمین زندگی مادی و از همه مهمتر بدون احترام به محقق و حفظ شئون پژوهشگران امکان ندارد. نمی‌شود سرنوشت دهها طرح تحقیقاتی و شئون دهها محقق را به دست آن دسته از معاونان مالی اداری سپرد که چشمهایشان جز پول، نمی‌بیند و زبانهایشان جز توهین به علم و عالم سخنی نمی‌گویند و اعمالشان جز هتک حرمت به اهل علم و تحقیق چیز دیگری نیست و بعد امید جلب همکاری محققین و پیشرفت تحقیقی داشت.

اگر دولت جمهوری اسلامی و سازمانها و مؤسسات علاقمند به امنیت کشور، اگر اقتصاددانها و بازاریان و آنها که مایلند در آینده روابط گسترده تجارتي با آسیای میانه داشته باشند، نمی‌خواهند که در آینده نه‌چندان دور در همسایگی خود کشورهای مسلمان توانمند پر جمعیت، دشمنی را داشته باشند، اگر نمی‌خواهند در آینده نه‌چندان دور متحمل صدها میلیارد دلار خسارت گردند، اگر نمی‌خواهند از پشتیبانی صد میلیون مسلمان محروم باشند، اگر نمی‌خواهند بازارهای وسیع اقتصادی را از دست بدهند باید از همین حالا (هر چند دیر شده است) دهها میلیون بلکه صدها میلیون تومان خرج تحقیق و مطالعه و ایجاد تشکیلات تحقیقاتی درباره آسیای مرکزی کنند. وقتی آنتهای رادیویی و تلویزیونی بالا می‌رود باید دانست چه چیز می‌بایست پخش کرد و گر نه ممکن است به جای دوستیها دشمنیها ایجاد کرد. (به ضمائم مطلب یعنی به اسامی و آدرس برخی از محققانی که در سطح بین‌المللی درباره آسیای مرکزی کار می‌کنند توجه کنید).

UNESCO

HISTORY OF CIVILIZATIONS OF CENTRAL ASIA

MEMBERS OF THE INTERNATIONAL SCIENTIFIC COMMITTEE

Dr. F.R. ALLCHIN
Reader in Indian Studies
or

Faculty of Oriental Studies
University of Cambridge
Sidwick Avenue
CAMBRIDGE CB3 9DA
United Kingdom

ISLAMABAD
Pakistan
Tel. 81.02.20

پاکستان

Professor Kazuo ENOKI
Director
Toyo Bunko
Honkomagome 2 - chome 28-21
Bunkyo-ku
TOKYO 113
Japan

انگلستان

ژاپن

Professor Mohammad S. ASIMOV
(President)
President of IASCCA
Tajik Academy of Sciences
Prospekt Lenin 33
DUSHANBE 734025 (Tajikistan)
USSR
Tel. 22.68.51

Professor Ghulam Farouk ETEMADI
Academician of Academy of Sciences
Professor of
Faculty of History and Philosophy
University of Kabul
KABUL
Republic of Afghanistan

شوروی

افغانستان

Dr. Nabibakshkhan Aidmuhammad
BALOCH Adviser
National Hijra Council
20 Masjid Road
F-6/4
ISLAMABAD
Pakistan
Tel. 82.04.75

Professor Janos HARMATTA (Vice-
President)
Vice-President
Section of Linguistic and
Literary Sciences
Hungarian Academy of Sciences
Munench-u 7
1052 BUDAPEST V (Hungary)
Tel. 35.12.95

پاکستان

مجارستان

Professor Mohammad BASTANI
PARIZI University of Tehran
TEHRAN
Islamic Republic of Iran

Professor LIU Cunkuan
Senior Research Fellow
Second Department of History of
Sino-Foreign Relations
Institute of Modern History
Chinese Academy of Sciences
BEIJING
People's Republic of China

ایران

چین

Professor Shagdaryn BIRA
Director
MRP Academy of Sciences
ULAN BATOR
Mongolian People's Republic

مغولستان

Professor Ahmad Hasan DANI
(Vice-President) Director
Centre for the Study of
Civilizations of Central Asia
Quaid-i-Azam University

Dr Lev MIROSHNIKOV
Senior Research Fellow
Institute of Oriental Studies
ul. Zhdanova 12
MOSCOW 103777
USSR Tel. 221.71.44

شوروی

آسیای مرکزی ۲۱

Professor Sh. NATSAGDORJ
Vice-President
MPR Academy of Sciences
ULAN BATOR
Mongolian People's Republic

مغولستان

Professor B.N. PURI
B-58, Sector A
Mahanagar
LUCKNOW 256006
India
Tel. Res. 74683

هند

Professor Muhammad Hasan Zamir SAFI
Faculty of History and Philosophy
Kabul University
KABUL
Republic of Afghanistan
Tel. home: 61.611

افغانستان

Dr Reza SHABANI SAMGHABADY
Professor of History
Faculty of Letters and human Sciences
National University of Tehran
TEHRAN
Islamic Republic of Iran

ایران

Professor Aydin SAYILI
President
Atatürk Culture Centre
Atatürk Bulvarı, n° 217
Kavaklıdere

ANKARA
Turkey
Tel. 28.61.00

ترکیه

Professor Denis SINOR (Vice-President)
Distinguished Professor Emeritus
Inner Asian and Uralic National
Resource Center
Indiana University
Goodbody Hall 101
BLOOMINGTON (Indiana) 47405
USA
Tel. (812) 335.09.59
FAX: (1) 812.855.5678

آمریکا

Professor B.K. THAPAR (Rapporteur)
Chairman
Centre for Cultural Resources
and Training
Bahawalpur House
Bhagwandas Road
NEW DELHI 110001
India
Tel. 38.23.00 - 38.37.05

هند

Professor ZHANG Guang-da (Vice-
President)
Department of History
Beijing University
BEIJING
People's Republic of China

چین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

THIRD
EUROPEAN SEMINAR ON CENTRAL ASIAN STUDIES
ESCAS III

Paris, les 27, 28 et 29 juin 1989

Conseil scientifique

L. Bazin
A. Benningsen (+)
D. Lombard
I. Mélikoff
X. de Planhol

Comité de coordination

D. Balland
R. Dor
D. Lombard
G. Veinstein

Centralisation

Rémy Dor
Institut d'Etudes Turques
13, rue Santeuil
75231 Paris Cedex 05
Tél. : (1) 45.87.40.72/73

LISTE DES COMMUNIQUANTS

Arthur Thomas MATTO
University of London
Arrandene Cottage
Wise Lane
Mill Hill
London, NW7 2RB
Angleterre

Erica C.D. HUNTER
University of Cambridge
Faculty of Oriental Studies
Sidgwick Avenue
Cambridge CB3 9DA
Angleterre

Jadwiga PSTRUSINSKA
Wolfson College
Oxford OX2 6UD
Angleterre

انگلیس

Ewa Apolonia CHYLINSKI
Sydjysk Universitetscenter
Institut for Ost-Vest
Glentevej 7
6705 Esbjerg O
Danemark

انگلیس

دانمارک

انگلیس

Klaus FERDINAND

Institute of Ethnography and Social Anthropology Aarhus University Moesgaard 8270 Højbjerg Denemark	75231 Paris Cedex 05 France	فرانسه
Kemal KARPAT University of Wisconsin 4121 Hum Bldg. Madison, WI 53706 Etats-Unis	Jean DURING CNRS 3, rue Boegner 67000 Strasbourg France	دانمارک فرانسه
Eden NABY University of Massachusetts at Amherst Herter Hall Amherst, MA 01003 Etats-Unis	Henri-Paul FRANCFORT CNRS (ER 315) 23, rue du Maroc 75940 Paris Cedex 19 France	ایالات متحده آمریکا فرانسه
Françoise AUBIN CNRS et CERI des Sciences Po La Tour du Pin Fontaine-Guérin 49250 Beaufort-en-Vallée France	Vincent FOURNIAU IFEA (Istanbul) 3, rue Trezel 92300 Lezabois France	ایالات متحده آمریکا فرانسه
Daniel BALLAND Université de Paris-Sorbonne (Paris IV) 25, rue du Coteau 92370 Chaville France	François GEORGEON CNRS 70, avenue de Jussieu 91600 Savigny-sur-Orge France	فرانسه فرانسه
Louis BAZIN Institut d'Etudes Turques 13, rue Santeuil 75231 Paris Cedex 05 France	James HAMILTON CNRS B.P. 19 75061 Paris Cedex 02 France	فرانسه فرانسه
Michel M. BOZDEMIR Institut d'Etudes Turques 24, rue Censier 75005 Paris France	Guy IMART Université de Provence 199, viillage du Soleil 13540 Puyricard France	فرانسه فرانسه
Alain DESJACQUES 5, villa Damrémont 75018 Paris France	Ariane MACDONALD Ecole Pratique des Hautes Etudes 22, rue Sarette 75014 Paris France	فرانسه فرانسه
Redouane DJAMOURI EHESS Institut de Phonétique (CNRS UA 1027) 19, rue des Bernardins 75005 Paris France	Irène MELIKOFF Université de Strasbourg 2, place Golbery 67000 Strasbourg France	فرانسه فرانسه
Rémy DOR INALCO et Institut d'Etudes Turques 13 rue Santeuil	Georges-Jean PINAULT Université de Haute Alsace 23, rue Léon Frot 75011 Paris France	فرانسه فرانسه
	Catherine POUJOL IFEA (Istanbul)	فرانسه

3, rue Trezel
92300 Lerabois
France

Marc van DAMME
Université d'Utrecht
Rubicondreef 43
3561 JB Utrecht
Pays-Bas

هلند

Annie RIALLAND
CNRS (UA 1027)
Institut de Phonétique
19, rue des Bernardins
75005 Paris
France

Danuta CHMISLONSKA
Université de Varsovie
Institut Oriental-Section de Turcologie
Rue Krakowskie Przedmiescie N° 26/28
Varsovie
Pologne

لهستان

Olivier ROY
CNRS
11, boulevard L. Terrier
28100 Dreux
France

Tadeusz MAJDA
Université de Varsovie
Rue Krakowskie Przedmiescie N° 26/28
Varsovie
Pologne

لهستان

Gérard TOFFIN
CNRS (UPR 299)
1, place Aristide Briand
92195 Meudon
France

Peter Alford ANDREWS
Institut für Voklarkunde
Universität zu Köln
Albertus-Magnus-Platz
5000 Köln 41
RFA

آلمان غربی

Sabine TREBINJAC
Institut d'Ethnologie
Université de Paris X-Nanterre
CIUP-Maison de la Suisse
7, bd. Jourdan
75014 Paris
France

Anja BUDER
Universität Mainz
Domitianstr. 18
6500 Mainz 21
RFA

آلمان غربی

Yaakov RO'I
Tel-Aviv University
Russian Research Center
Ramat-Aviv 69978
Israël

Charles F. CARLSON
Radio Liberty
Oettingenstr. 67
8000 Munich 22
RFA

آلمان غربی

Michael ZAND
Institute of Oriental & African Studies
The Hebrew University
Jerusalem
Israël

Wolfram HESCHE
Seminar für Turkologie und
Zentralasienkunde Papendiek 16
3400 Göttingen
RFA

آلمان غربی

Marco BUTTINO
Université de Turin
strada Valle Bontempo 13
10090 Costiglione torinese (TO)
Italie

Lars JOHANSON
Seminar für Orientkunde
Postfach 3980
6500 Mainz
RFA

آلمان غربی

Masami HAMADA
University of Tokyo
171-1 Terada-cho 432
Hachioji Tokyo 132
Japon

Mark KIRCHNER
Universität Mainz
Seminar für Orientkunde
Habsburgerstr. 12
62 Wiesbaden
RFA

آلمان غربی

H.E. BOESCHOTEN
Université de Tilburg/FdL
Postbus 90153
5000 LE Tilburg
Pays-Bas

Timur KOCAOGLU
Radio Liberty
Hörsarthstr. 37
8000 München 40
RFA

آلمان غربی

هلند

آسهای مرکزی ۲۵

Jürgen PAUL
Dillstr. 3
2 Hamburg 13
RFA

آلمان غربی

Lütfü Bey Sok.
Palmye Apt. 7/1
81300 Moda
Istanbul
Turquie

ترکیه

Hartwig SCHEINHARDT
Universität Mainz
FAS (Fb 23)
6728 Germerheim
RFA

آلمان غربی

Fikret TORKMEN
Ege Üniversitesi-Edebiyat Fakültesi
Türk Dili ve Edebiyatı Böl.
Bornova
Izmir
Turquie

ترکیه

Claus SCHONIG
Seminar für Orientkunde
Johannes Gutenberg
Universität Mainz
Saarstrasse 21
6500 Mainz
RFA

آلمان غربی

D.M. KERIMOV
Akadeja Obscestvennyx nauk
117606 Moskva
Prospjekt Vernadnogo 84
URSS

شوروی

P. ZIEME
Akademi der Wissenschaft
108 Berlin
Unter der Linden 8
RFA

آلمان غربی

Sergey G. KLYASHTORNY
AN SSSR - Institut vostokovedenijs
Dvortsovaja pav. 18
Leningrad 191065
URSS

شوروی

HU Jen-Hua
Central Institute for National
Minorities
Beijing
RPC

چین

Tofik MELIKOV
Institut vostokovedenijs
Ulitsa Zhadanova, 12
Moskva 103031
URSS

شوروی

Lars-Erik NYMAN
Landbyvägen 20
254-84 Helsingborg
Suède

سوئد

Aleksandr M. ŠČERBAK
Leningradskoye otdelenie Instituta
yazikonznanijs Akademii nauk SSSR
Leningrad, K-21
Pr. M. Tora, d. 9, kv. 124
URSS

شوروی

Ilber ORTAYLI
Universität d'Ankara
Atatürk Blv. 158/131
Kavaklıdere
Ankara
Turquie

ترکیه

Edhiam TENICHEV
Institut de Linguistique
de l'Académie des Sciences de l'URSS
103009 Moskva K-9
ul. Siemacko, 1/12
URSS

شوروی

Osman F. SERTKAYA
Université d'Istanbul